

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۱

آیه ۵۱-۵۴

آیه و ترجمه

و لو تری اذ فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب ۵۱  
و قالوا ءامنا به و انی لهم التناوش من مکان بعید ۵۲  
و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب من مکان بعید ۵۳  
و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم من قبل انهم کانوا فی شک  
مریب ۵۴

ترجمه :

۵۱ - اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، اما نمی توانند (از چنگال عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از مکان نزدیکی (از آنجا که حتی انتظارش را ندارند) می گیرند (از درماندگی آنها تعجب خواهی کرد).  
۵۲ - و (در آن حال) می گویند ایمان آوردیم، ولی چگونه می توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند؟!  
۵۳ - آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند (ونسبتهای ناروا به آن می دادند) و از مکان دور دستی به جهان غیب پرتاب می شدند (بی مطالعه در باره آن قضاوت می کردند).  
۵۴ - (سرانجام) میان آنها و آنچه مورد علاقه شان بود جدائی افکنده شد، همانگونه که به پیروان (و هم مسلکان) آنها از قبل عمل گردید چراکه آنها در شک و تردید بودند.

تفسیر :

آنها راه فرار ندارند

در آیات مورد بحث که آخرین آیات سوره سبا است با توجه به بحثهایی

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۲

که پیرامون مشرکان لجوج در آیات پیشین گذشت، روی سخن را باردیگر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده، حال این گروه را به هنگام

گرفتاری در چنگال عذاب الهی مجسم می‌سازد که چگونه آنها پس از گرفتاری به فکر ایمان می‌افتند اما ایمانشان سودی نخواهد داشت. می‌فرماید: اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود اما نمی‌توانند فرار کنند، و از چنگال عذاب الهی بگریزند، و آنها را از مکان نزدیکی می‌گیرند و گرفتار می‌سازند از بیچارگی آنها تعجب خواهی کرد (و لوتری اذ فرعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب). در اینکه این فریاد و فزع و بیتابی مربوط به چه زمانی است؟ در میان مفسران گفتگو است: بعضی آنها مربوط به عذاب دنیا یا هنگام مرگ دانسته‌اند، و بعضی آنها مربوط به مجازات روز قیامت. ولی در آخرین آیه مورد بحث تعبیری است که نشان می‌دهد این آیات همه مربوط به دنیا و عذاب استیصال، و یا لحظه جان دادن است، چرا که در آخرین آیه می‌گوید: «میان آنها و آنچه مورد علاقه آنها بود جدائی افکنده می‌شود، همانگونه که قبل از آن در باره گروههای دیگری از کفار این عمل انجام گرفت».

این تعبیر با عذاب روز قیامت سازگار نیست، چرا که در آن روز همه یکجا برای حساب جمع می‌شوند، چنانکه در آیه ۱۰۲ سوره هود آمده است ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود «آن روزی است که همه مردم در آن جمع می‌شوند، و روزی است که همه آنها مشاهده می‌کنند»!

و در آیه ۵۰ سوره واقعه می‌خوانیم: قل ان الاولین و الاخرین لمجموعون

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۳

الی میقات یوم معلوم بگو اولین و آخرین همگی برای وقت روز معینی جمع آوری می‌شوند.

بنا بر این منظور از جمله «اخذوا من مکان قریب» این است که این افراد بی‌ایمان و ستمگر نه تنها نمی‌توانند از حوزه قدرت خدا فرار کنند بلکه خدا آنها را از جائی گرفتار می‌کند که بسیار به آنها نزدیک است!

آیا فرعونیان در امواج نیل که سرمایه افتخار آنها بود دفن نشدند؟ و آیا قارون در میان گنجهایش به زمین فرو نرفت؟ و آیا قوم سبا که داستان‌شان در همین سوره آمده است از نزدیکترین مکان یعنی همان سد عظیمی که قلب آبادی آنها

و مایه حیات و حرکت آنان بود گرفتار نگشتند؟ بنابراین خدا آنها را از نزدیکترین مکان گرفتار می‌سازد تا بدانند قدرت نمائی او را. بسیاری از پادشاهان ظالم به وسیله نزدیکترین افرادشان به قتل رسیدند و نابود شدند، و بسیاری از قدرتمندان ستمگر از درون خانه‌هایشان آخرین ضربت را خوردند.

و اگر می‌بینیم در روایات فراوانی که از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده این آیه تطبیق بر خروج «سفیانی» (گروهی که پیرو مکتب ابوسفیانند و تفاله‌های عصر جاهلیتند و بر ضد طرفداران حق در آستانه قیام مهدی خروج می‌کنند) و لشکر او شده است که آنها به هنگام حرکت به سوی مکه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می‌شوند، و زمین لرزه شدیدی سبب شکافتن زمین و فرو رفتن آنها در آن می‌شود، در حقیقت بیان یکی از مصادیق «اخذوا من مکان قریب» است که آنها از نقطه‌ای که زیر پایشان است گرفتار چنگال عذاب الهی می‌شوند.

مضمون این حدیث را «ابن عباس» و «ابن مسعود» و «ابوهریره» و «ابو حذیفه» و «ام سلمه» و «عایشه» مطابق آنچه در کتب اهل سنت آمده از پیامبر گرامی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۴

اسلام نقل کرده‌اند.

و بسیاری از مفسرین شیعه مانند تفسیر «قمی» و «مجمع البیان» و «نور الثقلین» و «صافی» و جمعی از مفسران اهل سنت مانند نویسنده تفسیر «روح المعانی» و «روح البیان» و قرطبی نیز آنرا ذیل آیات مورد بحث آورده‌اند.

مرحوم «علامه مجلسی» روایات متعددی در بحار الانوار از امام باقر (علیه السلام) و پیامبر گرامی اسلام در این زمینه نقل کرده که نشان می‌دهد یکی از مصادیق آیات مورد بحث مساله خروج «سفیانی» به هنگام قیام مهدی (علیه السلام) است که خداوند آنها را از نزدیکترین مکان گرفته و نابود می‌کند.

همانگونه که بارها گفته‌ایم روایاتی که در تفسیر آیات وارد می‌شود غالباً به ذکر مصداقهای روشن می‌پردازد و هرگز دلیلی بر محدودیت مفهوم آیات

نیست.

در آیه بعد وضع حال آنها را به هنگام گرفتار شدن در چنگال مجازات الهی بیان کرده، می‌فرماید: «آنها می‌گویند ما به آن (قرآن و آورنده‌اش و مبدء و معاد) ایمان آوردیم» (و قالوا آمنا به).

«ولی چگونه آنها می‌توانند از آن فاصله دور دسترسی به آن پیداکنند؟! (و انی لهم التناوش من مکان بعید).

آری با فرا رسیدن مرگ و عذاب استیصال درهای بازگشت به کلی بسته می‌شود، و میان انسان و جبران خلافاکاریهای گذشته گوئی سدمحکمی ایجاد

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۵

می‌گردد، به همین دلیل اظهار ایمان در آن هنگام گوئی از نقطه دور دستی انجام می‌گیرد.

اصولا چنین ایمانی که جنبه اضطراری دارد، و به خاطر وحشت فوق‌العاده از عذابی است که با چشم مشاهده می‌کنند ارزشی ندارد، و لذا در آیات دیگر قرآن می‌خوانیم «اینها دروغ می‌گویند، اگر باز گردند همان برنامه‌ها را تکرار می‌کنند» (انعام - ۲۸).

«تناوش» از ماده نوش (بر وزن خوف) به معنی بر گرفتن چیزی است، و بعضی آن را به معنی گرفتن با سهولت دانسته‌اند، یعنی آنها چگونه می‌توانند به آسانی به چنین هدف دور دستی راه یابند؟.

آنها چگونه می‌توانند در این لحظهای که همه چیز پایان گرفته در مقام جبران خطاهای خویش بر آیند و ایمان بیاورند «در حالی که پیش از آن - در همان حالتی که در نهایت اختیار و آزادی اراده بودند - به آن کافر شدند؟! (و قد کفروا به من قبل).

نه تنها کافر شدند بلکه انواع اتهامات را به پیامبر اسلام و تعلیمات او بستند و «درباره جهان غیب - عالم ماوراء طبیعت، و قیامت و نبوت پیامبر - داوریهایی نادرستی می‌کردند و از نقطه دور دستی نسبتهایی به آن می‌دادند» (و یقذفون بالغیب من مکان بعید).

«قذف» چنانکه گفتیم به معنی پرتاب کردن چیزی است، و «غیب» جهان ماوراء حس است، و «مکان بعید» به معنی نقطه دور دست است، و

مجموعاً کنایه لطیفی است از کسی که بدون آگاهی و اطلاع در باره جهان ماوراء طبیعت قضاوت می‌کند، همانگونه که پرتاب کردن چیزی از نقطه دور دست کمتر به هدف می‌خورد این ظن و گمان و داوری آنها نیز به هدف اصابت نمی‌کند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۶

گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را «ساحر» می‌خواندند، گاه «مجنون»، گاه «کذاب» و گاه قرآن را ساخته فکر بشر می‌دانستند، و گاه بهشت و دوزخ و قیامت را به کلی انکار می‌کردند، تمام اینها یکنوع رجم به غیب و تیر در تاریکی و قذف من مکان بعید بود. سپس می‌افزاید: «سرانجام میان آنها و آنچه مورد علاقه آنان بود به وسیله مرگ جدائی افکننده می‌شود، همانگونه که با گروههای مشابه آنها از قبل چنین عمل شد» (و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم من قبل).

در یک لحظه دردناک تمام اموال و ثروتها، تمام کاخها و مقامها، و تمام آرزوهای خود را می‌بینند که از آنها جدا می‌شود، آنهایی که سخت به یکدرهم و دینار چسبیده بودند و دل از کمترین امکانات مادی بر نمی‌کنند چه حالی خواهند داشت در آن لحظه که باید با همه آن یکباره وداع گویند، و چشم ببوشند، و به سوی آینده‌ای تاریک و وحشتناک گام بردارند؟ برای جمله «حیل بینهم و بین ما یشتهون» (میان آنها و آنچه علاقه داشتند جدائی افکننده می‌شود) دو تفسیر بیان کرده‌اند: نخست تفسیری است که در بالا گفته شد، دیگر اینکه آنها می‌خواهند ایمان بیاورند و گذشته را جبران کنند اما میان آنها و این تقاضا جدائی افکننده خواهد شد.

ولی تفسیر اول با معنی جمله «ما یشتهون» مناسبتر است، بعلاوه در آیات قبل جمله (انی لهم التناوش من مکان بعید) مساله عدم دسترسی آنها به ایمان در هنگام مرگ و عذاب استیصال آمده بوده و نیاز به تکرار نیست. ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که بسیاری از مفسران این آیات را ناظر به مجازات روز قیامت و ندامت گناهکاران در عرصه محشر دانسته‌اند، ولی

---

چنانکه گفتیم آخرین آیه مورد بحث، با توجه به جمله کما فعل باشیاعهم من قبل با این معنی سازگار نیست، بلکه منظور لحظه مرگ و مشاهده عذاب نابود کننده الهی است.

و چه زیبا می گوید امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که لحظات جان دادن و جدائی از نعمتهای دنیا را در کلمات نورانیش به روشنترین وجه ترسیم می کند:

اجتمعت علیهم سكرة الموت، و حسرة الفوت، ففترت لها اطرافهم، وتغیرت لهم الوانهم!

ثم ازاد الموت فيهم ولوجا، فحیل بین احدهم و بین منطقه، و انه لبین اهله، ينظر ببصره و يسمع باذنه...

يفكر فيم افنا عمره؟ و فيم اذهب دهره؟ و يتذكر اموالا جمعها اغمض في مطالبها، و اخذها من مصرحاتها و مشتبهاتها!...

فهو يعرض يده ندامة على ما اصحر له عند الموت من امره، و يزهده فيما كان يرغب فيه ايام عمره، و يتمنى ان الذى كان يغبطه بها و يحسده عليها قد حازها دونه!

سکرات مرگ، و حسرت از دست دادن نعمتهای دنیا، به آنها هجوم می آورد، اعضای بدنشان به سستی می گراید و رنگ، از چهره آنها می پرد!

سپس پنجه مرگ در آنها نفوذ بیشتر می کند، آنچنان که زبانش از کار می افتد در حالی که در میان خانواده خود قرار دارد، با چشم می بیند و با گوش می شنود (اما یارای سخن گفتن در او نیست!).

در این می اندیشد که عمر خویش را در چه راهی تباه کرد؟ دوران زندگی خود را در چه راهی گذراند؟ به یاد ثروتهائی می افتد که بدون توجه به حلال و حرام بودن جمع آوری کرد، و هرگز در طریق تحصیل آنها نیندیشید. انگشت حسرت به دهان می گیرد، و دست خود را از پشیمانی می گزد،

چرا که به هنگام مرگ مسائلی بر او روشن می شود که تا آن زمان مخفی مانده بود، او در این حال نسبت به آنچه در دوران زندگی به شدت به آن علاقه داشت بی اعتنا می شود، آرزو می کند ای کاش کسانی که در گذشته به ثروت

او غبطه می خوردند و بر آن حسد می ورزیدند این اموال در اختیار آنان بود و نه او.

بالاخره در آخرین جمله آیه مورد بحث می گوید: «علت همه این مسائل آن است که آنها پیوسته در حال شک و تردید به سر می بردند» و طبعا چنین سرنوشتی در انتظار آنها بود (انهم کانوا فی شک مریب). پروردگارا! ما را از کسانی قرار ده که پیش از فوت فرصتها بیدار می شوند و به جبران آنچه از آنها فوت شده می پردازند. بارالها! دام دنیا سخت است، و دشمن زورمند و قوی است، اگر لطف تو یار نشود کار ما زار است. خداوند! ما را از کسانی قرار ده که به هنگام روی آوردن نعمتها به شکر می پردازند و مغرور و غافل نمی شوند و به هنگام روی آوردن مصیبتها جزع نمی کنند بلکه عبرت می گیرند.

پایان سوره سبا اول اسفند ماه ۱۳۶۲ مطابق: ۱۷ ج ۱۴۰۴ هـ

---

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۵۹

این سوره در مکه نازل شده و ۴۵ آیه است مقدمه

---

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۶۱

### محتوای سوره فاطر:

این سوره که گاه سوره «فاطر» و گاه سوره «ملائکه» نامیده شده (به خاطر سر آغاز آن که با عنوان «فاطر» و «ملائکه» شروع می شود) از سورهای مکی است، هر چند بعضی دو آیه آنرا استثنا کرده و مدنی شمرده اند (آیات ۲۹ و ۳۲) ولی هیچ دلیل روشنی بر این استثناء در دست نیست. و از آنجا که این سوره مکی است محتوای عمومی سورهای مکی یعنی سخن از «مبدء» و «معاد» و «مبارزه با شرک»، و دعوت رسالت انبیا، و ذکر نعمتهای پروردگار و سرنوشت مجرمان در روز جزا در آن کاملاً منعکس است.

آیات این سوره را در پنج بخش می توان خلاصه کرد.

۱ - بخش مهمی از آیات این سوره پیرامون نشانه های عظمت خداوند در عالم هستی و دلائل توحید سخن می گوید.

۲ - بخش دیگری از آن از ربوبیت پروردگار و تدبیر او نسبت به عموم جهان و خصوص انسان و خالقیت و رازقیت او و آفرینش انسان از خاک و مراحل تکامل او بحث می‌کند.

۳ - بخش دیگر پیرامون معاد و نتایج اعمال در آخرت، و رحمت گسترده الهی در این جهان، و سنت تخلف ناپذیر او در باره مستکبران است.

۴ - قسمتی از آیات آن نیز اشاره به مساله رهبری انبیا و مبارزه پی‌گیر و مستمرشان با دشمنان لجوج و سرسخت و دلداری پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در این زمینه می‌باشد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۶۲

۵ - سرانجام بخشی از آن بیان مواعظ و اندرزهای الهی در زمینه‌های مختلف است که مکمل بحثهای گذشته می‌باشد.

بعضی از مفسران تمام این سوره را در یک حلقه خلاصه کرده‌اند و آن مسأله قاهریت خداوند در تمام زمینه‌هاست.

این سخن گرچه با توجه به قسمت قابل توجهی از آیات سوره متناسب به نظر می‌رسد، ولی در عین حال وجود بخشهای مختلف دیگر را در این سوره نمی‌توان انکار کرد.

#### فضیلت این سوره:

در حدیثی از پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) آمده است: من قراء سورة الملائكة دعته يوم القيامة ثلاثة ابواب من الجنة ان ادخل من اي الابواب شئت!:

«هر کس سوره فاطر را بخواند در روز قیامت سه در از درهای بهشت او را به

سوی خود دعوت می‌کند که از هر کدام می‌خواهی وارد شو»!

با توجه به اینکه می‌دانیم درهای بهشت همان عقائد و اعمال صالحی است که سبب وصول به بهشت می‌شود، همانگونه که در بعضی از روایات دری به عنوان باب المجاهدین یا مانند آن ذکر شده ممکن است این روایت اشاره به ابواب سه گانه اعتقاد به توحید، معاد و رسالت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) باشد.

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم: دو سوره در قرآن مجید (پشت سر هم قرار دارد) سوره سبا و سوره فاطر که با «الحمد لله»

آغاز می‌شود، هر کسی آنها را در شب بخواند خدا او را در کنف حمایت خود حفظ می‌کند،



و هر کس در روز بخواند ناراحتی به او نمی‌رسد، و آنقدر خدا خیر دنیا و آخرت به او می‌بخشد که بر قلب کسی خطور نکرده، و آرزوی کسی به آن نرسیده است.

چنانکه قبلاً هم گفته‌ایم قرآن برنامه عمل است، و تلاوت آن سر آغازی است برای تفکر و ایمان، و آن نیز وسیله‌ای است برای عمل به محتوای آن و این همه پاداشهای عظیم نیز از همین جا و با همین شرائط تحقق می‌یابد (دقت کنید).

بعد

فهرست

قبل